



DOI: 10.22034/crtc.2022.348480.1014

## مطالعه موردی:

## معرفی و بررسی نسخه خطی کأس الکرام

نویسندگان

زهرا علیزاده شورکی<sup>۱</sup>، محمود صادق زاده<sup>۲</sup>، هادی حیدری نیا<sup>۳</sup>

## چکیده

نسخه‌های خطی، میراث مکتوب و معرف هویت علمی، فرهنگی و اجتماعی ملت‌ها هستند. نسخه خطی کأس الکرام نوشته معین‌الدین احمد بن محسن متخلص به «روح» است که به شماره مسلسل ۵۸۱۶، دارای ۲۰۹ برگ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود است. این نسخه خطی مربوط به دوره صفویه (۱۰۵۶-۱۱۰۷) که قالب اشعار آن مثنوی و دارای محتوای عرفانی است. متن این نسخه خوانا و به خط نستعلیق است. نسخه خطی کأس الکرام تک نسخه و منتخب از اشعار عرفانی شاعرانی همچون مثنوی معنوی، حدیقه الحقیقه سنایی و اسرار نامه فریدالدین عطار نیشابوری و چندی شاعر دیگر است. در اشعار نسخه خطی کأس الکرام کلمات کهن فارسی، کلمات عربی دیده می‌شود. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی دیدگاه مؤلف کأس الکرام درباره آفرینش انسان و عشق به خداوند پرداخته است. فلسفه آفرینش انسان و جهان، یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که بشر همواره در پی کشف و شناخت آن بوده است.

کلیدواژه: نسخه خطی کأس الکرام، معین‌الدین احمد، فیض کاشانی. دوره صفویه

z.a.dabir.a@gmail.com

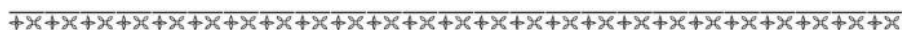
۱- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی - واحد یزد - دانشگاه آزاد اسلامی

sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

۲- دانشیار زبان و ادبیات فارسی - واحد یزد - دانشگاه آزاد اسلامی

heidari\_hadi\_pnuk@yahoo.com

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی - واحد یزد - دانشگاه آزاد اسلامی





## ۱- مقدمه

آنچه از گذشتگان به صورت نسخه‌های خطی برای ما باقی مانده، هرکدام گنجینه‌هایی است که باید در حفظ، احیا و شناسایی آن کوشید. با وجود آنکه در سالهای اخیر سعی فراوانی در شناسایی و معرفی این گنجینه‌های نفیس صورت پذیرفته، لیکن هنوز راه نرفته بسیار است. یکی از این آثار ناشناخته و ارزشمند، دیوان اشعار «کأس الکرام» از معین الدین بن احمد متخلص به «روح» است با بررسی‌های انجام گرفته در فهرست نسخ خطی، تنها یک نسخه از دیوان اشعار وی در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی یافت شد. پس از بررسی و خوانش این نسخه به این نتیجه رسیدیم وی از شاعران دوره صفویه است. ادبیات در دوره صفویه به استثنای ادبیات مذهبی رو به انحطاط نهاد. زیرا شاهان صفوی به امور دیگری مانند کشورگشایی مشغول بودند و به ادبیات و تشویق نویسندگان و شعرا کمتر اهمیت می‌دادند. توجه فرهنگی آنان بیشتر متوجه تبلیغ و تحکیم سیاسی مذهبی بود. تأکید بر ادبیات تشیع باعث شد که مراکز شاخه‌های دیگر ادبیات به کشورهای مجاور ایران صفوی، مانند هندوستان و دیگر مناطق آسیای میانه منتقل شود و ادبیات ایران از جانب آنها تحت تأثیر قرار گیرد و به نوعی گرایش یابد (نصرآبادی: ۴). دکتر میراحمدی در ادامه مبحث فوق می‌افزاید:

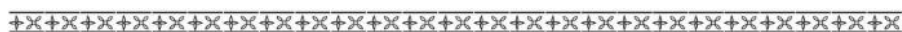
«با وجود اثرات سیاست خاص عهد صفوی و جلوگیری از گسترش شاخه‌های دیگر ادبی و یا به عبارتی تشویق نوع خاصی از ادبیات در این دوره چهره‌های تابناکی در حیات فرهنگی ایران درخشیدند. چهره‌هایی مانند ملاصدرای شیرازی و شاگردان وی ملامحسن فیض کاشانی، عبدالرزاق فیاض و شیخ بهایی سعی کردند که مضامین علوم دیگر مانند حکمت، فلسفه و ادبیات را با الهیات پیوند دهند.

آنچه از ادبیات عصر صفوی به جای مانده و تأثیرات عمده‌ای در سده‌های بعد از خود باقی گذاشته است، همانا آثار ادبی مذهبی مانند «بحارالانوار مجلسی» «کلمات مکنونه» و «وافی» ملا محسن فیض است» (همان: ۵)

نکته آشکار این است که بن‌مایه و جان‌مایه سخن در منظومه‌های حکمی و عرفانی که در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری در سبک هندی ساخته و پرداخته شده، سرمشق قراردادن منظومه‌های استادان پیشین و در یک کلام تقلید است که در آثار معین الدین احمد بن محسن فیض کاشانی دیده می‌شود.

جایگاه والای معین الدین احمد بن محسن فیض کاشانی در ادبیات عرفانی و معانی و مضامین بلند و ژرف در اشعار او قابل تفسیر و بررسی است. متن این نسخه خطی حاوی اطلاعات فراوان زبانی - ادبی و همچنین عرفانی است. با تصحیح این کتاب می‌توان به برخی از مشخصه‌های فکری مؤلف كأس الکرام دست یافت. بنابراین به سبب محتوای عرفانی و عدم معرفی و تصحیح این اثر ضرورت تصحیح آن مسلم می‌گردد.

در معرفی نسخه به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود: معین الدین احمد بن محسن فیض کاشانی کیست؟ محتوا و درون مایه کتاب كأس الکرام چیست؟ ویژگی‌های سبکی این کتاب با توجه به زمان تألیف کدام است؟





## ۱-۱- ضرورت تحقیق

نُسخ خطی که در زاویه کتابخانه‌ها و گاه به صورت پراکنده در دست مردم قرار دارند، از ارزشمندترین میراث مکتوب کشور محسوب می‌شوند. معرفی و احیای این میراث ارزشمند وظیفه مهمی است که شایسته است هر پژوهشگری در حوزه تخصص خود به آن پردازد و با عنایت به این که تصحیح و چاپ منقح و شایسته‌ای «کأس الکرام» در دست نیست و نیز تک نسخه بودن نسخه «کأس الکرام» می‌تواند در بادی امر به احیا و جلوگیری از نابودی آن اثر، کمک بسیاری کند.

## ۱-۲- روش پژوهش

این پژوهش در بخش معرفی نسخه با استفاده از روش کتابخانه‌ای و در بخش ویژگی‌های نگارشی آن با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. مبانی نظری تحقیق با تکیه بر برخی منابع سبک‌شناسی نظم و گستره پژوهش متن کامل نسخه خطی کأس الکرام است.

## ۱-۳- پیشینه پژوهش

تصحیح متون و نسخه‌های خطی، همواره بر حسب یک ضرورت فرهنگی در هر جامعه و زمان و در میان ملل مختلف مورد توجه و نظر بوده است.

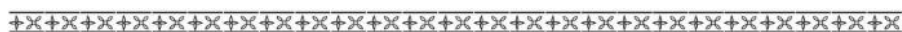
در خصوص نسخه خطی کأس الکرام، با جستجو در منابع مطالعاتی، فهرست نسخ خطی و چاپی، سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی، تاکنون هیچ پژوهشی، اعم از رساله دکتری، پایان‌نامه و مقاله پژوهشی در باره این کتاب نوشته نشده و تاکنون این کتاب به چاپ نرسیده است.

## ۲- بحث و بررسی

مؤلف کأس الکرام از مشایخ نامی عصر خود بوده، و بیشتر عرفای قبل از خود را می‌شناخته و در اشعار خود از آثار عرفای پیشین بهره برده است. نسخه خطی کأس الکرام که می‌توان آن را یک اثر عرفانی به حساب آورد، اثری مفصل و مبسوط است که اصول نظری عرفان را با چاشنی ادب، تاریخ، پند و نصیحت و مسائل اجتماعی آمیخته است.

## ۱-۲- شرح حال معین الدین احمد بن محسن فیض کاشانی

از احوال احمد بن محسن فیض کاشانی در کتب تاریخ ادبیات، تاریخ تصوف و عرفان اسلامی و در تذکره‌ها سخنی به میان نیامده و تنها در برخی از منابع اشاره‌ای گذرا به نام او شده است. مؤلف نسخه خطی مذکور، معین الدین احمد بن محسن کاشانی، متخلص به «روح» است. پدر وی، فیض کاشانی شخصیت فرهیخته و عالم صاحب نامی است که برای گسترش فرهنگ اهل بیت (ع) زحمتهای فراوانی کشید. والد بزرگوارش، در رشته‌های مختلف چون تفسیر، حدیث، فقه، اصول، کلام، فلسفه، اخلاق، ادبیات و ... صاحب اثر است. محمد محسن فرزند مرتضی، مشهور به ملامحسن و ملقب به فیض (۱۰۹۱-۱۰۰۷) است که به او ملامحسن کاشانی نیز می‌گویند (غفاری، بی تا، ج ۱: ۲۲). وی داماد اول ملاصدرای شیرازی است (حاج سید جوادی و همکاران: ۱۳۸۴، ۵/۲۸۵). نتیجه ازدواج ملامحسن فیض، پنج فرزند است که صاحب





دو پسر و سه دختر است؛ فرزند و پسر اول محمد علم‌الهدی نویسنده معادن الحکمه و پسر دوم او ابوعلی معین‌الدین احمد بن محمد محسن از فقها و محدثان مشهوری است که متولد پانزدهم ماه رجب سال (۱۰۵۶) در کاشان بوده و فیض خود اشعاری را به مناسبت تولد وی سروده است:

بحمدالله که فرزندى مبارک  
على کنيت به او بخشيد و احمد  
ز امر نام او احمد فرستاد  
برای روز و ماه و سال مولد  
«وليد يوم استفتاح» کن ياد

وی به سال ۱۱۰۷ در قمر بدرود زندگی گفت و او را در کاشان در کنار مرقد والدش فیض دفن کردند (فیضی: ۱۳۸۱)  
از آثار احمد بن محسن فیض کاشانی (۱۱۰۷ ق) برگرفته از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله العظمی

مرعشی، جلد ۱۵، زیر نظر سید محمود مرعشی و نگارش سید احمد حسینی به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- «ذریعة الابتهاال»: ادعیه قنوت و سجود: ج ۵، ص ۴۹۵
- ۲- «کأس الکرام»: ج ۸، ص ۳۶۷
- ۳- «شرح قصیده حیات القلوب»: ج ۶، ص ۹۳۸
- ۴- «یادداشت»: ج ۱۰، ص ۱۲۱۹
- ۵- «یادداشت‌های متفرقه»: ج ۱۰، ص ۱۲۲۶.

آنچه از نسخه به دست می‌آید چنین است: مولف کاس الکرام از مشایخ نامی عصر خود بوده، وی با غالب شاعران دوره قبل از خود آشنا بوده و برای درک بهتر مضامین، منتخبی از اشعار ایشان در نسخه خود آورده است.

#### ۲-۲- معرفی نسخه

نسخه خطی «کاس الکرام» در کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، با خط نستعلیق تحریری، سده دوازدهم با شماره مسلسل ۵۸۱۶، جلد روی کتاب تیماج قهوه‌ای که تاریخ عکسبرداری آن در ۶۹/۱۲/۱۵ قید شده است. در مقدمه نسخه تاریخ اکتیاع آن ۴۲/۸/۱ است. در جلد صفحه اول، تاریخ به پایان رسیدن کتاب ذکر نشده است.

نسخه خطی کاس الکرام، به شعر فارسی است و با تصحیح این کتاب می‌توان به برخی از مشخصه‌های فکری مؤلف دست‌یافت. متن این نسخه خوانا و خوش‌خط و با خط نستعلیق نوشته شده است. روش تصحیح نگارنده در این پژوهش، بر مبنای نسخه اساس است که تک‌نسخه می‌باشد.

مطالبی را که در حاشیه نسخه درج شده توضیحات افزوده پیرامون متن است. هر قالب شعری که در نسخه کاس الکرام آمده دارای عنوان است که بالای آن قید شده است. در هر صفحه دو ردیف شعر آمده است که هر ردیف دارای پانزده بیت است و فقط ابیات ردیف اول دارای رکابه است.



در بررسی نسخه خطی کأس الکرام به ابیاتی برمی‌خوریم که شاعر کلمه‌ای از آن را جا انداخته است که در بالای آن آورده است. مانند:

همان است این بیابان ریگ / که شد گنج قارون درو مرده ریگ (همان: ۱۵۶) کلمه منزل جا انداخته است که در بالای آن نوشته است.

مؤلف کأس الکرام معانی کلمات مشکل را در حاشیه کتاب آورده است. برای نمونه در صفحه (۱۳۵) مؤلف، لغات اورنگ و مناخ را معنی کرده است.

موضوع نسخه، بحث و بررسی پیرامون توحید و وحدت، مشیت و قدرت و صفات حق، نور اصل و اسرار آن، وصول به حق، اسرار عشق و ... با بهره‌گیری از اشعار عارفانه و ادیبانه است.

#### این نسخه خطی منتخب چند شاعر است از جمله:

ابتدا از اشعار شیخ محمود شبستری شروع کرده که صفحات (۱۱-۳) را در بردارد.

منتخب بعدی شاعر اشعار سنایی که از صفحه ۱۱ شروع و تا صفحه ۲۸ ادامه دارد.

همچنین اشعاری از اسرار نامه فریدالدین عطار نیشابوری که صفحات (۴۹-۲۸) را در بر می‌گیرد مؤلف در این نسخه خطی آورده است.

مؤلف کأس الکرام از اشعار شاعر عرفانی مولوی نیز اشعاری آورده که صفحات (۹۱-۴۹) کأس الکرام را در بر می‌گیرد. مؤلف کأس الکرام خودش دارای ساقی‌نامه بوده و ساقی‌نامه حافظ هم در نسخه خطی خود آورده است. وی همچنین اشعار سعدی شیرازی، مقالات قدوة العرفا مولانا ضیاءالدین محمد رازی قدس سره، اشعاری از مثنوی صدر المحققین صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، منتخبی از مقالات والد ماجد سلطان العرفا محمد محسن بن مرتضی قدس سره، منتخب مقالات ملا میرزا محمد صوفی ملقب به محقق رحمة الله، مقالات میر رضی آریتمانی رحمة الله، مقالات میر مرشدی، مقالات انوری رحمة الله علیه، مقالات اقدسی، آورده است.

نسخه کأس الکرام به صورت تک‌نسخه و به خط دست‌نویس اصلی مؤلف در کتابخانه مرعشی قم موجود است.

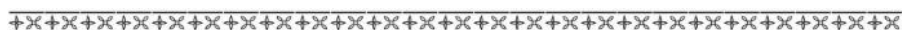
مهم‌ترین ویژگی این نسخه، لغات تازه‌ای است که در هیچ منبع دیگری نیامده است.

مؤلف در نسخه خطی کأس الکرام این موارد را مورد توجه قرار می‌دهد:

۱- استشهاد از ارکان مهم بحث در نسخه خطی کأس الکرام اتکا و استناد به اقوال بزرگان تصوف، استشهاد به آیات، احادیث و اشعار مرتبط است.

۲- در مطاوی عرفان نظری به منابع متقدم و معاصر فارسی و عربی بسیار استناد شده است.

۳- آوردن کلمات، فلسفه، ادب، تاریخ و قصص انبیا، حدیث، کلام، عرفان، منطق و نجوم و جز.....





## ۳-۲- ساختار و بافت کتاب

بازنگری دقیق نسخه نشان می‌دهد که نسخه شامل سه قسمت است.

۱- مقدمه: مؤلف در دیباچه کأس الکرام بعد از حمد و ستایش خداوند و رسول و خاندانش در معرفی کتابش چنین می‌گوید: «بعد از حمد پروردگار و درود بر روان مصطفین اخیار، ذره خاکسار احمد بن محمد محسن احمد الله عواقبه که این مرشحه است از فیوضات اشعارش به شاربانِ خمخانه انس ولایت و قطره است از کلمات آبدار می‌پرستان میکند قدس و طهارت» (مقدمه کأس الکرام).

۲- منتخبی از اشعار شاعران

۳- قسمت پایانی: مؤلف در بخش پایانی به نتیجه‌گیری از کار خود می‌پردازد و به هدایت و ارشاد می‌پردازد. در پایان نسخه خطی چنین آمده است:

شرط شد از همت محمود باد / آخر کار همه محمود باد (نسخه خطی: ۲۰۹).

## ۴-۲- وجه تسمیه کتاب

وی وجه تسمیه کتابش به کأس الکرام چنین بیان می‌کند: «تا سالکان به وادی مودت و متعطشان فنا فی عشق و محبت را در اهتزاز آورده چون از نفحات رحمانیه و فوایح قدسیه به وادی آن ایمن آن بویی کشند و از مل‌های روان‌بخش مهیمنش جرعه چشند تا این خاکسار بی‌بضاعت را به دعایی یاد کنند.» (دیباچه نسخه خطی کأس الکرام). در قسمت پایانی چنین آمده است.

## ۲-۵- ساقی‌نامه

ساقی‌نامه‌ها یکی از انواع ادبی است که از آغاز قرن دهم مورد توجه بسیاری از شعرای این عصر قرار می‌گیرد. در بررسی نسخه خطی «کأس الکرام» به ساقی‌نامه بر می‌خوریم که نشان‌دهنده توجه مؤلف به آن بوده است و با خطاب قراردادن ساقی از او باده می‌طلبید. مؤلف کأس الکرام ساقی‌نامه‌های خود را در قالب مثنوی و بحر متقارب مقصور به نگارش درآورده است. بیشتر این ساقی‌نامه با فعل امر بیا، یا بده ساقی، آغاز می‌شود.

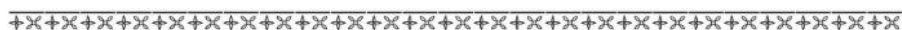
بده ساقی آن کأس ماء معین / که بینم درو چهره حور عین (کأس الکرام: ۱۵۲)

در نسخه خطی کأس الکرام مؤلف ناگفتنی‌های روزگار خود را در قالب نکوهش روزگار بر زبان آورده و ای بسا یادکرد او از می و میخانه و ساقی بهانه‌ای بوده برای اعتراض و انتقاد از آنچه او نمی‌خواهد و ناروا می‌پندارد:

بده تا ازین عالم آب و خاک / روم تا به جولانگه جان پاک (نسخه خطی: ۱۵۲)

کمان ملامت سپارم به کف / بده تا شوم تیر غم را هدف (همانجا)

با بررسی ساقی‌نامه‌های مؤلف کأس الکرام معلوم می‌شود که تمامی خطاب‌ها به ساقی، مطرب و مغنی نیست؛ خدا، زاهد، ناصح، و واعظ و اشخاص و امور دیگر مورد خطاب شاعر واقع شده است. تمام در خواست‌ها ساقی‌نامه‌وی نیز باده





نیست، بلکه موارد زیر نیز در آن دیده می‌شود:

**فیض پیامبر:** بده تا شوم تابع خاندان / بده تا شوم سرور انس و جان (نسخه خطی: ۱۵۴)

**می وحدت:** به پردازم از غیر حق خویش را / شوم محو در پرتو کبریا (همان: ۱۵۴)

بده تا چو احمد به بینم عیان / تجلی حق را به جسم و جان (همان جا)

**جام دانش:** بده تا محطّ معارف شوم / بده تا از آن باده عارف شوم (همان: ۱۵۲)

**فنا شدن:** بده تا شوم نیست در عین هست / خبر یابم از سرّ بالا و پست (همان: ۱۵۴)

### ۶-۲- رسم الخط کأس الکرّام

نمونه‌هایی از رسم الخط به کاررفته در این نسخه عبارتند از:

**استفاده حرف (ک) به جای (گ):**

ز پیراهن جسم عربان شوم / بمانم تن و جملگی جان شوم (معین‌الدین احمد: ۱۵۶)

**انداختن نقطه کلمات:**

به یکتایی و عزتت ای کریم / که گر تو پسندی مرا در ححیم. نقطه‌های جیم و یا در جحیم افتاده است. (معین‌الدین

احمد: ۱۶۲).

**جداگانه نوشتن بای فعل امر به شکل حرف اضافه:** (به): گذر کن ز خود تا ببینیش فاش / که تا با خودی بیهده است

این تلاش (همان: ۱۳۶)

**حذف شدن مدّ (آ):** ندانی که ان قلمز بیکران / ز انبوهی موج مد نهران. کلمات (آن و آمد) مدّ آن افتاده است.

### ۳- اهمیت کأس الکرّام از دیدگاه سبک‌شناسی و زبانی

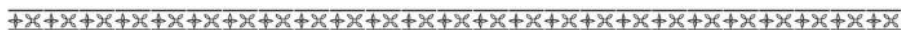
با ظهور مکتب ابن عربی، تصوف، شیوه علمی و توجیه عقلانی و فلسفی به خود گرفت. شرح موضوعات عرفانی و تبیین وحدت وجود با اصول علمی و استدلالی، کاربرد واژگان و اصطلاحات خاص عرفانی، فلسفی، کلامی و جز آن را می‌طلبید که وجود آنها در متون عرفانی، غموض و دشواری فهم آن آثار را رقم زده است. این دشواری نه تنها در آثار ابن عربی، بلکه در آثار پیروان و اشاعه دهندگان مکتب او نیز به وضوح دیده می‌شود (ر. ک. صفا، ۱۳۷۸، ج ۳، ب ۱: ۱۶۷-۱۷۰) بنابراین نسخه خطی کأس الکرّام غالباً (در هر سه سطح زبانی، ادبی، محتوایی) تحت تأثیر سبک نویسندگی رایج در متون صوفیانه گذشته و شیوه متداول دوره او بوده است.

### ۳-۱- ویژگی‌های زبانی و نگارشی

تصحیح هر اثر خطی می‌تواند به روشن ساختن گوشه‌های مبهم و تاریک تحقیقات در زمینه دگرگونی‌های زبانی کمک

فراوانی بکند. برخی از ویژگی‌های دستوری به کاررفته در این پژوهش عبارتند از:

۱- به کاربردن حرف اضافه «به» به جای ب که باید به فعل بچسبد.





مانند به بینم عنایات مولای خود/ به بینم بجنّات، مأوای خود (نسخه خطی: ۱۶۴)

۲- به کاربردن «ان جمع» برای غیر جاندار

بسا کشتی... غرقان نمود/ بسا کس که با خاک یکسان نمود (همان: ۱۵۶)

۳- به کاربردن «ب» تاکید

بنگشاده لب جز بذكر حبيب / نبوده بجز باد حقشان نصیب (همان: ۱۴۷)

۴- به کاربردن کلمات عربی

که کفلین رحمت در این آتش است/ که عینین جنت در این آتش است (همان: ۱۴۳)

۵- استفاده حرف «م» نهی به جای «ن»

مخور شیر عشرت زیستان دهر/ که گردد به کام تمّنات، دهر (همان: ۱۵۷)

۶- استفاده از کلمه «اندر» به جای «در»

ممان اندرین آتش از من نفیر/ که هستم نعیمی و ملکی کبیر (همان: ۱۴۳)

۷- استفاده از کلمات قدیمی: چه سائت دلالت کند آن اثر/ که دارد وجودش زجود تو پر

۸- چسبانندن «ب» به کلمه

«بمی، دود دل، رشک سنبل بود/ بمی خار غم طعنه بر گل زند» (همان: ۱۵۲)

۹- به کار بردن حرف (مر)

حدوث و قدم را شود رابطه/ نباشد مر او را به حق واسطه (نسخه خطی: ۱۳۴)

۱۰- آوردن کلمات هم‌خانواده در ابیات:

هم او علم و معلوم و او هم علیم/ هم او عقل و معقول و عاقل حلیم

هم او حامد و حمد و محمود هم/ هم او قاصد و قصد و مقصود هم

هم او شکر و شکور و هم شاکراست/ نظر او ومنظور و هم ناظر است

هم او محسن و حسن و احسان بود/ رحیم و خطاپوش و منان بود

(نسخه خطی ۱۳۹-۱۳۸)

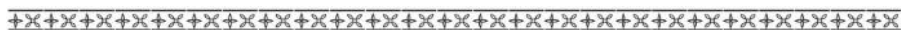
۱۱) شاعر با استفاده از پسوند کلمه جدید ساخته است: کلت آنکه در طور هستی یکیست/ به سینای ذاتش صفت

مند کیست. کلمه صفت مند (همان: ۱۳۷)

۱۲) در کتاب کأس الکرام نام قهرمانان کتاب شاهنامه ذکر شده است:

ز دارا و خاقان شنیدی خیر / ز سهراب و رستم چه دیدی اثر

چه شد تخت کیخسرو و جاه او/ چه شد رستم و بیرون و چاه او (نسخه خطی: ۱۵۶)







### ۳-۲- ویژگی‌های ادبی اشعار معین‌الدین احمد

مؤلف کأس الکرام نیز از صوفیان موزون طبع و مقلدی است که با مطالعه بسیاری از آثار صوفیان با زبان تصوف انس گرفته است و تصاویر و نمادهای متداول در ادبیات صوفیه، ملکه ذهنی ایشان شده است.

نباشد کرم چشمه سلسبیل / نباشد کرم کوثر و زنجبیل

ز کافور و تسنیم اگر بگذرم / قواریر و اکواب اگر ننگرم

(همان: ۱۶۳)

#### ۱) به‌کار بردن تلمیح:

نپوشید آن یوسف آن پیرهن / تو پیرهنی از خیالات متن . (همان: ۱۳۶) که اشاره به پیراهن یوسف (ع) دارد.

عقال توانا و جدنا بود / نوال من انا فتحنا بود (همان: ۱۴۹)

بده ساقیا می که گشتم ملول / ز شطح و طامات پیران غول (کاس الکرام: ۱۴۹)

#### ۲) به‌کار بردن مراعات نظیر:

کواکب ز سیاره و ثابتات / ملک جن و حیوان و جماد و نبات (نسخه خطی: ۱۳۴)

۳) به‌کار بردن تشبیه: چو یونس کنم ذکر و تسبیح من / چو در بطن ماهی شوم ممتحن (نسخه خطی: ۱۵۳)

۴) تضاد: به صورت چو نور و به معنی چو نار / به ظاهر چو رود و به باطن چو خار (همان: ۱۴۸)

۵) جناس: کشم آه از نقض عهد و وفا / و یا کریم از فرط جور و جفا (همان: ۱۶۰)

کشم آه از صحبت مور و مار / و یا کریم از وحشت قبر تار (همانجا)

نظر کن به جان و تن خسته ام / گره باز کن از دل بسته ام

۶) تکرار: قدیری قدیری قدیر / اسیرم اسیرم اسیرم اسیر

روان را بده شوق در بندگی / که یابم در آن بندگی زندگی (همان: ۱۵۹)

۷) ردالعجز علی الصدر: شکبیا شوم از همه ای حبیب / و لیکن زوصلت ندارد ای شکیب (همان: ۱۶۳)

۸) اقتباس: مُسی باحسانک مُستجیر / و آنت علی کُل شی قدیر (همان: ۱۶۶)

### ۳-۳- ویژگی‌های فکری

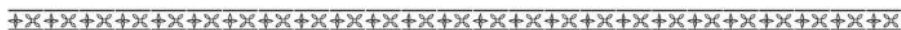
از اشعار مؤلف کأس الکرام می‌توان به مشی فکری، و گرایش‌های عرفانی او پی برد. در سطح محتوایی و فکری نیز

مؤلف کأس الکرام پیرو مشرب فکری ابن عربی است، اندیشه‌ای که در میان صوفیان رایج بوده است.

#### ۳-۳-۱- تجلی خدا و منشأ آفرینش در نزد احمد بن محسن فیض

تجلی در لغت به معنای آشکار شدن و جلوه کردن است. لاهیجی معتقد است که «جهان هستی از تجلی مستمر ذات

الهی در کسوت اسماً و صفات پدید می‌آید و برترین بنیاد هستی حق است. آفرینش ظهور حق است در صورت ظاهر





ممکنات» (لاهیجی، ۱۳۷۴: ۱۵). از نظر ابن عربی، وجود دارای حقیقتی واحد است و «شئون و اطوار تجلیات و ظهوراتی است که در موطن علم، در ملابس اسماء و اعیان ثابت، در مرحله ذهن در مجالی اذهان و مرتبه خارج در مظاهر اعیان و موجودات خارجی ظهور می‌یابد و در نتیجه این ظهور و تعیین و تطوّر عالم پدیدار می‌گردد» (جهانگیری، ۱۳۷۵: ۱۹۹). اندیشه ابن عربی در باب معنای زندگی «خدا محور» است؛ اما از آنجا که جاودانگی انسان نیز در جهان بینی او رکنی اساسی محسوب می‌شود و حیات آدمی با گذر از دروازه مرگ و ملاقات با خدا به غایت دلپذیر خود می‌رسد، می‌توان نگاه او به معنای زندگی را خدا - روح محور تلقی کرد؛ زیرا در نظریه خدا - روح محور، معنای زندگی ناشی از وصال خداوند است که در این جهان امکان پذیر نیست (کسایبی زاده، ۱۳۹۲: ۱۸۰-۱۵۲).

خوشا حال آنکس ز وصلت چشید / زبان کرد آن کس که غیری گزید (نسخه خطی: ۱۶۰)

مؤلف کأس الکرام آفرینش را تجلی ذات می‌پندارد. خداوند مخلوقات را به عنوان مظهر و نماد خویش خلق می‌کند، مخلوقاتی که در عدم بودند ولی خداوند به آنها لباس پوشانید و تجلی گاه وجود حضرت حق شدند.

چه سانت دلالت کند آن اثر	که دارد وجودش ز جود تو پر
کدامین اثر از تو ظاهر ترست	که در دلالت ترا مظهرست
همه جا تویی ای رقیب عتید	بود کور چشمی که رویت ندید

### ۲-۳-۳- مبارزه با نفس

انسان در باب خود نیز مسئول است که خویشتن خویش را بشناسد و در پرورش استعدادها و توانایی‌هایش بکوشد. ضعف‌ها و زشتی‌های خویش را برطرف سازد و فرصت عمر را که گران‌بهاترین سرمایه اوست غنیمت شمارد.

نکردم برای خدا طاعتی	برفتم براه وفا ساعتی
نگشتم دمی بهر حق اشکبار	نکردم سجودی که آید به کار
ز زنگ گنه تیره شد صیقلم	هبا گشت این کشت بی حاصلم

(نسخه خطی: ۱۵۱)

### ۳-۳-۳- اشاره به عشق الهی

عشق یکی از اصول و آموزه‌های اساسی در جهان بینی عرفانی اکثر عرفاست. بر فراز همه نیازها، نیاز عاشقانه است. عشق که در عرفان «محور» قرار گرفته و به منزله «موتور» کاینات شناخته گردیده، هرگز نتوانسته است از جسمیت بریده گردد. عرفاً راز آفرینش و سر وجود را در کلمه عشق خلاصه کرده و عشق را مبنای آفرینش و وجود می‌دانند (برزگر، ۱۳۸۲: ۱۱۲)

این حدیث قدسی در کتاب مستدرک الوسائل (نوری: ۱۴۰۸، ۱۸/۴۱۹) آمده است که خدای سبحان می‌فرماید:





«مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي، وَ مَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي، وَ مَنْ عَرَفَنِي أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي عَشَقَنِي، وَ مَنْ عَشَقَنِي عَشَقْتُهُ، وَ مَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ، وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَيْ دِيئَتِهِ، وَ مَنْ عَلِي دِيئَتُهُ فَا نَا دِيئَتُهُ»؛ آن کس که مرا طلب کند، مرا می‌یابد و آن کس که مرا یافت، مرا می‌شناسد و آن کس که مرا شناخت، مرا دوست می‌دارد و آن کس که مرا دوست داشت، به من عشق می‌ورزد و آن کس که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می‌ورزم و آن کس که من به او عشق ورزیدم، او را می‌کشم و آن کس را که من بکشم، خون بهای او بر من واجب است و آن کس که خون بهایش بر من واجب شد، پس خود من خون بهای او می‌باشم. مؤلف کأس الکرام بر این عقیده است که حق تعالی عالم را چون پرتو صنع و مرات هستی خویش آفریده، آدم را چون مظهر کمالات و جمالات خود خلق کرده است و پس انسان را جزوی هستی مطلق می‌داند که تا برگشته به اصل خود موصول شدن در جه‌ها را باید طی نموده، به واسطه فنا در مبدأ اصل بقا یابد.

تو چون ماهی در محیط وجود/ طلب کار وصل و غریق شهود (همان: ۱۳۶)  
عشقی که مؤلف کأس الکرام در صدد تبیین آن است از حسن و جمال برخاسته، آن حسنی که ازلی است و به معشوق حقیقی اختصاص دارد و گاهگاه جلوه‌هایی از آن، از روزن وجود مخلوق و در آینه هستی جلوه گر می‌شود.  
ز عشق و زمستی بجو معرفت/ که از سر وحدت کند آگهت  
ز عشق است زبینه هر دو جهان/ جهان فالبت و بود عشق جان  
که در عاشقی مذهب و کیش نیست/ خط و دایره نقطه بیش نیست (همان: ۱۳۵)  
مؤلف نسخه خطی کأس الکرام بر این است سزای که خداوند در درون انسان‌ها قرار داده، همان ودیعه عشق است که به عنوان گوهری در گنجینه سینه آدمی نهاده شده است و مقصود خداوند از نهادن این ودیعه ارزشمند در درون آدمی، اظهار محبت و عشق خود به آدمی است تا اغیار نتوانند به آن راه یابند  
چو تو آینه کل شوی کل شوی/ که چون محو گشتی نماند تویی (نسخه خطی: ۱۳۹)  
مؤلف کأس الکرام بر این عقیده است که عشق الهی سبب شد تا آدمی از بدو وجودش، مورد کرم خداوند قرار گیرد و خصوصیت عشق که از دیگر مخلوقات پنهان و مستور شده بود بر وجود آدمی آشکار گردد. مؤلف کأس الکرام با اشاره به ماجرای آفرینش آدمیان از خاکی پست و بی ارزش، افتادن اکسیر محبت و عشق خداوند به این مشتکی خاک را سبب اعتلا و ارجمندی آدمی می‌داند.

کواکب ز سیاره و ثابتات	ملک جن و حیوان و جماد و نبات
بود هریک از شوق در جست و جو	که بو برده از نفخه آن سبو
چو انسان بود سرده ی این مدام	ز صهبای جودش برده خاص و عام
رحیق محبت بخاصان دهد	که آن خم مختوم را در خورند

(نسخه خطی: ۱۳۴)



### ۳-۳-۴- وحدت وجود در اشعار کأس الکرام

وحدت وجود یعنی هستی فقط خدا است و جز او کسی و چیزی وجود ندارد. حقیقت یکی است وجود همان حقیقت واحده است. جمیع موجودات تراوشی است از مبدأ احدیت که به طریق تجلی و فیضان از او صادر گشته است (غنی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

با این که ریشه‌هایی از وحدت وجود در جریان‌های فکری قرن هفتم هجری، اعم از اسلامی و غیراسلامی دیده می‌شود، مذهب وحدت وجود به‌گونه‌ای کامل و به‌صورت مشروح و منظم پیش از ابن عربی نبوده و او نخستین عارفی است که در عالم اسلام با ایمان راستین و شور و شوق فراوان این اصل را استوار ساخته است (جهانگیری، ۱۳۷۵: ۲۶۱) جهان‌بینی و معرفتی که عالم آفرینش را در پرتو تجلی تبیین می‌نماید، جهان‌بینی و معرفت وحدت‌گرایانه است. مؤلف کأس الکرام دارای چنین جهان‌بینی و معرفتی است، یعنی جان‌مایه جهان‌بینی‌اش با وحدت سرشته شده است.

کل است آنکه ذات و صفتش یکی است / نه در وحدت او شمار و شکی است (همان: ۱۳۸)

چو واحد در اعداد شد جلوه‌گر / بمان عدّ و هم واحدش می‌شمر

الف در حروف ار بود مختلف / تو صورت رها کن که هست او الف

مداد ارچه در لوح شد مستطر / نشد ذات او از حقیقت بدر (همان: ۱۴۰)

### ۳-۳-۵- عالم تکثرات، خیال است

به اعتقاد مؤلف کأس الکرام تکثرات وجود واقعی ندارند. وقتی چیزی وجود واقعی نداشته باشد یکی از تعبیرهای که در مورد آن به ذهن می‌رسد صفت وهمی و خیالی است. او عالم را خیال می‌داند.

نشد وحدت از حقیقت بدر / اگرچه به کثرت شد جلوه‌گر (همان: ۱۴۰)

چه سان کثرت از وحدتی منتشر / چه سان وحدت از کثرتی مستتر (همان: ۱۴۷)

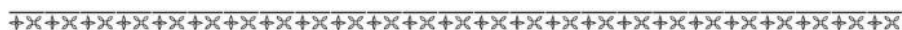
هم او محسن و حسن و احسان بود / رحیم و خطاپوش و منان بود (نسخه خطی: ۱۳۹)

که هرچه آن درآید به فهم و خیال / نباشد پرتوی زان جمال (همان: ۱۳۹)

بده چو احمد به بینم عیان / تجلی حق را به جسم و جان (همان: ۱۵۴)

### ۴- نتیجه‌گیری

نسخ خطی یکی از مهم‌ترین مشخصه‌ها برای معرفی اصالت و پیشینه فرهنگ کشورها و پیونددهنده آحاد ملت‌هاست. آنچه به اهمیت این نسخه افزوده است منتخبی از اشعار شاعران است که مؤلف در این نسخه آورده است. نتایج حاصل آنکه عربی‌مآبی و فور لغات و ترکیبات عربی، توجه به استعمال واژگان و ترکیبات پارسی سره، نوآوری در کاربرد لغات و ترکیب‌سازی‌های فراوان، توجه بسیار به آرایش‌های لفظی و به تصنع‌گراییدن زبان از عناصر سبکی آن به شمار می‌رود.





در جمع‌بندی کلی آنچه از متن نسخه خطی کأس الکرام بر می‌آید، از وسعت آگاهی شاعر و تبخّر وی در علوم متداول روزگار خود مانند لغت، ادب، تاریخ و قصص انبیا، حدیث، کلام، فلسفه و عرفان، منطق و نجوم و جز آن حکایت می‌کند که از آن دانش‌ها در اثرش بهره جسته است. با بررسی نسخه خطی کأس الکرام، بر خواننده آشنا با نثر صوفیانه فارسی چنین دریافتی حاصل می‌گردد که در مجموع بر روی آثار صوفیانه فارسی بنیاد گردیده است. وی در شرح و تفسیر ابیات به برداشت شخصی و تجارب عرفانی دیگر عرفاً متکی است.

### منابع

- ابن عربی، (۱۴۰۰ ق)، **فصوص الحکم**، به کوشش ابوالعلاء عقیفی، بیروت: دارالکتب العربی.
- برزگر، محمد رضا. (۱۳۸۲). **شاخ نبات حافظ**. تهران: نشر زوّار.
- حاج سید جوادی، سید کمال (۱۳۸۴) و نوایی، عبدالحسین، **اثرافرینان**، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حسینی، سیداحمد. (بی تا). **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت ایت الله العظمی مرعشی مد ظلّه العالی**. انتشارات: قم.
- جهانگیری، حسن. (۱۳۷۵). **محی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۱). **تاریخ ادبیات ایران**. جلد پنجم. تهران: انتشارات فردوس.
- ..... (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات در ایران**. تهران: انتشارات فردوس.
- فیضی کاشانی، مصطفی. (۱۳۸۱). **کلیات فیض کاشانی**. تهران: نشر اسوه.
- کسای زاده، مهدیه. (۱۳۹۲). **معنای زندگی از دیدگاه ابن عربی**، فصلنامه علمی پژوهشی، سال پنجم، شماره ۵. بهار و تابستان ۱۳۹۲. صص ۱۸۰-۱۵۰.
- لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۳۷۴)، **گوهر مراد**، تهران: فرهنگ و ارشاد.
- معین الدین احمد بن محسن کاشانی، (بی تا)، **نسخه خطی کأس الکرام**.
- نصرآبادی، محمدطاهر، (۱۳۷۹). **تذکره نصرآبادی**، به کوشش احمد مدقق یزدی، تهران: مرکز انتشارات علم و صنعت ایران.
- نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل‌البیت:، چاپ اول، ۱۴۰۸.



DOI: 10.22034/crtc.2022.348480.1014

## Case study:

## Introducing and reviewing the manuscript of Kas al-Karam

Zahra alizade shoroki<sup>4</sup>, Mahmood Sadeghzadeh<sup>5</sup>, Hadi heydari niaraki<sup>6</sup>

## Abstract

Manuscripts are the written heritage and represent the scientific, cultural and social identity of nations. The manuscript of Kas al-Karam, written by Moinuddin Ahmad ibn Mohsen, nicknamed "Ruh", is numbered 5816 and has 209 pages in the library of Ayatollah Marashi Najafi in Qom. This manuscript belongs to the Safavid period (1056-1107) whose poems are Masnavi and have a mystical content. The text of this version is legible and in Nasta'liq script. The manuscript of Kas al-Karam is a single copy and a selection of mystical poems by poets such as Masnavi Manavi, Hadiqah al-Hafiqah Sanai and Asrarnamih by Farid al-Din Attar Neyshabouri and several other poets. In the poems of the manuscript of Kas al-Karam, ancient Persian words, Arabic words can be seen. The present article uses a descriptive-analytical method and relying on library sources to examine the author's view of the creation of man and love of God. The philosophy of creation of man and the world is one of the most fundamental issues that human beings have always sought to discover and recognize.

**Keyword's:** Manuscript of Kas al-Karam, Moinuddin Ahmad, Faiz, Kashan, Safavid period

4 -z.a.dabir.a@gmail.com – Islamic Azad University (Yazd)

5- sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir - Islamic Azad University (Yazd)

6- heidari\_hadi\_pnuk@yahoo.com - Islamic Azad University (Yazd)

